

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

[HTTP://WWW.AZADI-B.COM/J/2009/06/POST_183.HTML](http://WWW.AZADI-B.COM/J/2009/06/POST_183.HTML)

معنی به اصطلاح اصلاح طلبان را هم فهمیدم!

بری قدمی

۲۰۰۹/۱۶/۶

پخش مناظره‌هایی که از قبل نوشته و تنظیم شده بود، با افشاگری‌های به موقع از یکدیگر، کاندیداها سعی در کشیدن مردم به پای صندوق‌های رای برای تداوم رژیم دیکتاتور و مستبد جمهوری اسلامی داشتند و مردم ایران که تجربه ۴ سال رییس جمهوری احمدی‌نژاد را داشتند، از او به ستوه آمده بودند. سال ۱۳۷۶ دروغ‌ها و وعده‌های خاتمی (سید خندان) را فراموش کرده بودند، به حمایت از اصلاح طلبان از جمله موسوی و کروبی به پای صندوق‌های رای کشیده شدند. مردم سرزمینم بدون این‌که لحظه‌ای اندیشه و تامل نمایند به این نکات:

- ۱- چرا کروبی حالا به یاد زهرا بنی یعقوب و زهرا کاظمی افتاده است؟ چرا نزدیک‌های انتخابات افشا می‌کند؟ چرا آن زمان صدایی از او شنیده نمی‌شد؟
- ۲- چرا احمدی‌نژاد به یاد پول خوری کروبی در این زمان می‌افتد و او را رسوا می‌کند؟
- ۳- چرا رژیم مهره‌ای را در پشت همسرش پنهان می‌کند و او را به مردم معرفی می‌کند؟
- ۴- چگونه می‌تواند کاندیدای به اصطلاح اصلاح طلب به وعده‌هایش عمل کند؟ طی دوران نخست‌وزیری اش هزاران زندانی سیاسی از زن و مرد، پیر و جوان در دهی شصت در زیر شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفته و اعدام شدند.
- ۵- چرا کاندیداها اصلاح طلب این همه مهربان شده‌اند و ملت دوست؟ چه اتفاقی در نهان پیش آمده است؟
- ۶- و هزاران مورد دیگر در مناظره ها مشخص بود تا مردم کمی بیشتر هواس‌شان را جمع می‌کردند.

کاندیدها با ایفای نقش‌های خود به خوبی در رسانه ملی ایران مردم را شیفته قول و قرارهایشان کردند! آری جمعه ۲۲ خرداد را می‌گویم من در صف تظاهرکنندگان در لندن مقابل کنسولگری ایران ایستاده بودم و به عنوان یک زن شعار مرگ بر این رژیم زن‌ستیز را سر دادم. با رای دهندگان به گفتگو پرداختم و مردم برایم می‌گفتند: ما احمدی‌نژاد را نمی‌خواهیم! رای ما احمدی‌نژاد نیست! آمده‌ایم رای بدهیم، تا احمدی‌نژاد رای نیاورد. من به آنها می‌گفتم: اگر اصلاح‌طلبان هم بر سر کار بیایند، رهبری اختیاری به آنها نمی‌دهد، فریب نخورید، هوشیار باشید و صفوف رای‌گیری را برای‌شان پرجمعیت نکنید و به جمهوری اسلامی رژیم کشتار و شکنجه مشروعیت نبخشید. به صف معترضین پیوندید. مردم ساده‌دل باورم نکردند. با تبلیغات کاندیداها فریب بزرگی خورده بودند. باورشان شده بود که در ایران دموکراسی هست! و اگر سکوت کنند راه را برای احمدی‌نژاد فراهم کرده‌اند! دموکراسی چه شد؟! حیل‌های بسیار زیبا را پذیرفتید!

سخنم با آنانیست که رفتند و رای دادند چه شد رای‌هایتان! چه شد حمایت‌تان از به اصطلاح اصلاحات! چه شد اثر انگشت‌هایتان! چه شد آن همه شور و هیجان‌تان برای اصلاحات! چرا رای‌هایتان را شمارش نکردند! خانمی به حالت اعتراض به صف تظاهرکنندگان تمامی انگشتانش را مهر زده بود و به حالت افتخار آمیزی به ما نشان داد. به او می‌گفتم تو شریک جنایات جمهوری اسلامی شده‌ای! تو به ادامه‌ی جمهوری اسلامی کمک نمودی! تو باعث ادامه فقر و بیکاری و فحشا شده‌ای! تو ادامه دهنده اعدام‌ها و سنگسارها هستی! و تو به جمهوری اسلامی مهر تایید زدی! رای‌هایتان را با وقاحت و بی‌شرمی تمام به حساب نیاوردند. از حضور شما استفاده به نفع خود کردند. حال فهمیده‌اید دیگر وقت سکوت نیست. وقت اعتراض است. وقت به پا خاستن است. ما حرف‌مان را زدیم و گفتیم اما شما باورمان نکردید... آری مردم ایران، ای کسانی که رای داده‌اید اگر این بار سکوت کنید خفت و خواری بیشتری را پذیرفته‌اید.

خبرهای رسیده از ایران نشان دهنده اینست که مردم از شرکت در انتخابات پشیمانند و خواستار پس گرفتن رای‌هایشان هستند! دیر شده است. دیر متوجه شده‌اید. انتخاباتی در کار نبود. با وعده‌ی اصلاحات شما را به پای صندوق‌های رای کشاندند، به جای شما تصمیم گرفتند. رای شما در اداره‌ی امور مملکت هیچ نقش تعیین‌کننده‌ای نداشته است. بلکه این رهبری نظام ددمنش جمهوری اسلامیست که تعیین می‌کند هر زمان به چه مهره‌ای نیاز دارد! وقت آنست که به پا خیزید و مبارزات و تظاهرات‌تان را ادامه دهید. اما نه به امید روی کار آمدن میرحسین موسوی به اصطلاح اصلاح طلب، بلکه با هدف سرنگونی این نظام جنایت و کشتار و سر لوحه قرار دادن شعارهایی همچون سرنگونی جمهوری اسلامی، سرنگونی رژیم زن‌ستیز، سرنگونی رژیم ضد کارگر و سرنگونی رژیم سرکوب را خواستار شوید.

در لندن روز دوشنبه ۱۵ ژوئن و سه شنبه ۱۶ ژوئن به اصطلاح اصلاح طلبان تظاهرات کردند و رای‌هایشان را می‌خواستند. من نیز به عنوان یک جوان ایرانی که همواره با نظام دیکتاتوردرگیر بوده‌ام، خود را به حمایت از آنان در صف اعتراضی جوانان و دانشجویان مقیم لندن رساندم، و شعار انتخاب ما: سرنگونی نظام زن‌ستیز جمهوری اسلامی را با خود به همراه داشتم. شرکت‌کنندگان با تمام مسائل امنیتی که برایشان مهیا شده بود گفتند: ما اینجایم و فقط می‌خواهیم

رای‌هایمان را پس بگیریم همین! با نگاهی متعجب گفتم: اما در ایران شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر می‌دهند! حتی شعار «مرگ بر جمهوری اسلامی» سر می‌دهند. و تو اینجا از چه می‌ترسی؟ مدتی در کنار صف‌شان ایستادم و متوجه شدم که سرکردگی این اعتراضات در لندن مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران مردمی نیست و توسط بخشی دانشجویان سهمیه‌ای و بخشی دیگر از عوامل سفارت ایران که به اصطلاح اصلاح طلب شده‌اند، که هنوز از پول نفت و خون میلیون‌ها مرد و زن ایرانی بی‌بضاعت تزریق مالی می‌شوند. دانشجویان سهمیه‌ای فرزندان همان پاسدارانی هستند، که در سال‌های شصت دستان‌شان تا مفرغ به خون مردم ایران آلوده بوده است و حال به خارج آمده و اصلاح طلب شده‌اند. و من خود معنی به اصطلاح اصلاح طلبان را هم فهمیدم!

اما روی سخن من با مردم ایران است آنانی که درد و رنج و فقر و گرفتاری را می‌دانند، با تمامی هم سالانم خود سخن می‌گویم من با شما پیش خواهم رفت تا سرنگونی جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی! و من درد مشترک‌ام با تمامی شما رنج کشیدگان.